

سازمان تبلیغات اسلامی شهدای بسیاری در سال‌های دفاع مقدس و دفاع از حرم تقدیم کرده است

ای دوستان ما که در آسمانید...



● **امیرارسلان فاضلی** | واژه‌های جبهه، جنگ، ایثار و شهادت با شروع ۸ سال دفاع مقدس بسیار پررنگ شد. تشکیل شورای تبلیغات اسلامی با شکل گرفتن این واژه‌ها فاصله چندانی نداشت. بسیاری از روحانی‌ها و کارمندان سازمان تبلیغات اسلامی نیز برای دفاع و تبلیغ وارد جبهه جنگ شدند و به درجه شهادت و جانبازی نائل آمدند. در آستانه چهل سالگی سازمان تبلیغات اسلامی یادی می‌کنیم از چند شهید ویژه به نمایندگی از دیگر شهیدان خانواده سازمان تبلیغات اسلامی.

حرفش روی جوان‌ها تأثیر بسیاری داشت

«بارها و بارها خودم را در باغ مثلثی زیتون در روستای «قراصی» در سوریه تصور کردم؛ مکانی که برادر شهیدم با اصابت گلوله داعش به شهادت رسید. این‌ها را «آمنه تمام‌زاده» خواهر شهید مدافع حرم «علی تمام‌زاده» می‌گوید و ادامه می‌دهد: «طبق آدرسی که رفقای برادرم از محل شهادت علی داده بودند، چند روز در گوگل جست‌وجو کردم تا اینکه لوکیشن باغ زیتون مثلثی را پیدا کردم. بارها فاصله جغرافیای برادر شهیدم را تا شهر کرج، جایی که خودم ایستاده بودم، سنجیدم، هر لحظه بی‌قرارتر می‌شدم و با خودم فکر می‌کردم که علی در لحظه شهادت، همان لحظه‌ها که قلبم برایش تندتر می‌تپید، چقدر از من فاصله داشته؟ بارها فاصله خودم را تا علی سنجیدم؛ از جایی که به خاک افتاده بود، از جایی که فریاد «یا زهر(س)» سر داده بود، از لحظه‌ای که چشمانش را بسته بود. فاصله را حساب می‌کردم و بی‌قرارتر می‌شدم. یک لحظه فکر دیگری به سرم زد؛ این بار فاصله محل شهادت علی را تا بارگاه بی‌بی زینب (س) سنجیدم و از همان لحظه دلم آرام گرفت.»

«آمنه تمام‌زاده» می‌گوید: «هالی کرج برادرم را خوب می‌شناختند. امام جماعت مسجد بود. جهادی بود. حرفش روی جوان‌های چند محله آن طرف‌تر هم تأثیر داشت و با جوان‌ها رابطه خوبی داشت. ساده‌زیستی در جانش رخنه کرده بود، اما سخت‌کار می‌کرد؛ طوری که همیشه رد گچ و خاک گوشه ناخن‌هایش بود. کارگری می‌کرد و با درآمد اندکش به مردم هم کمک می‌کرد. خانواده‌اش هم به کمترین‌ها قانع بودند. سال ۱۳۹۳ بود و مبارزه در مقابل داعش شروع شده بود، اما او اجازه نداشت به سوریه اعزام شود. دختر برادرم، برای مادرم خبر آورد که «بابا علی زبان افغانستانی تمرین می‌کند». مادرم گفت: «خدا به خیر کند!» مدت زیادی نگذشته بود که علی آقا به خاطر چشم‌های بادامی و تسلطش به زبان افغانستانی توانست خودش را در لشکر فاطمیون جای دهد. او تنها شهید روحانی مدافع حرم در سازمان تبلیغات بود که در جنوب حلب، شهید شد.

تنها شهید مدافع حرم



۳۵

نفر از پرسنال سازمان تبلیغات اسلامی در روزهای دفاع مقدس به شهادت رسیدند.

۱۳۳

نفر از نیروهای رسمی سازمان تبلیغات اسلامی در ۸ سال دفاع مقدس لباس جانبازی بر تن کردند.

مشهورترین شهید

شیخ عباس، روحانی شجاع و جسور

گذاشتم و اشاره‌ای به قیام پانزده خرداد و رهبری امام خمینی نکردم، اما آن شب طاقتم تمام شد. جوش آوردم و از ظلم و ستم خاندان پهلوی حرف زدم. در مجلس غوغایی به پا شد... «شیخ «علی شیرازی» برادر شهید می‌گوید: «برادرم از همان کودکی هم‌نشین بزرگان بود؛ آیت‌الله جنتی، آیت‌الله خزعلی، آقای فاضل هرنندی و برخی از بزرگان، عموماً منزل ابوی رفت‌وآمد داشتند.» شیخ «عباس شیرازی» پس از آغاز جنگ تحمیلی، ابتدا مسئولیت قائم‌مقامی سازمان تبلیغات اسلامی و سپس مسئولیت تبلیغات جبهه و جنگ را پذیرفت و در هجدهم خرداد ۱۳۶۴ وقتی برای مأموریت اعزام شده بود، در حوالی شهر دزفول بر اثر سانحه اتومبیل به شهادت رسید.

حجت‌الاسلام شیخ «عباس شیرازی» فرمانده «تبلیغات جبهه و جنگ» در سال ۱۳۲۳ متولد شد و مبارزه و تبلیغات سیاسی علیه حکومت پهلوی را از سال ۱۳۴۲ آغاز کرد. آقا شیخ «عباس شیرازی» طلبه ناآرام و شجاعی بود که با قیام خونین پانزده خرداد به رهبری حضرت امام خمینی (ره) فعالانه در صحنه مبارزات حاضر شد و جلسه‌های سخنرانی‌های پرشوری برگزار کرد. او در جایی، خاطراتش را این‌طور تعریف کرده است: «آمدند و گفتند تعطیل کنید این بساط سخنرانی را. گفتم کار من تبلیغ است. من غیر این کار دیگری ندارم. بعد از کلسی چانه‌زنی گفتند تبلیغ کنید، اما بی‌سروصدا و دردسر. حرف از شاه و خمینی و این جور موضوعات موقوف. تا شب بیست و سوم دندان روی جگر

